

## زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی<sup>۱</sup>

علیرضا کوهکن باقری<sup>۲</sup>

استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

سامیه باقری<sup>۳</sup>

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۱



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۸۳

زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی

### چکیده

گروه داعش از ابتدای فعالیتش در سوریه و عراق، ولایت خراسان (افغانستان و بخش‌هایی از آسیای مرکزی) را نیز به‌عنوان قلمرو خود مطرح و از این طریق موجودیت خویش را در آن منطقه اعلام کرد. این مسئله موضوعات متعددی را در حوزه مطالعات امنیت در آسیای مرکزی مطرح کرد. نخستین پرسشی که در خصوص حضور داعش در آسیای مرکزی به ذهن متبادر می‌شود، این است که زمینه‌های اصلی و بسترهای شکل‌گیری حضور و نفوذ داعش در این منطقه چیست؟ فرضیه مقاله آن است که ساختار سیاسی اقتدارگرا و سکولار، رویکرد و اقدامات نادرست دولت‌های منطقه در برابر جریان افراط‌گرایی، گروه‌های بنیادگرای افراطی در منطقه، بافت اجتماعی شکننده و پیچیده کشورهای آسیای مرکزی، کانون‌های جغرافیایی بحران‌زا در منطقه چون دره فرغانه و افغانستان و نیز حضور اتباع کشورهای منطقه در ترکیب مبارزات داعش از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند به شکل‌گیری داعش در این منطقه بینجامد. به منظور بررسی این فرضیه، هر کدام از شاخص‌های مطرح‌شده در آن در بخش‌های مقاله مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. مقاله از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اسناد از منابع معتبر کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** داعش، آسیای مرکزی، اقتدارگرایی، گروه‌های بنیادگرای افراطی، ژئوپلیتیک

۱. این مقاله با حمایت هسته پژوهشی مطالعات نوین روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی نگاشته شده است.

2. koohkan@atu.ac.ir

3. s.bagheri2017@gmail.com

جریان‌های تکفیری-تروریستی معمولاً در محیط‌های بحران‌زا ایجاد می‌شوند و با بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی چون بی‌ثباتی سیاسی، خلأهای امنیتی و بافت‌های اجتماعی شکننده در جامعه مورد نظر فرصت رشد پیدا می‌کنند. به‌علاوه این جریان‌ها اگر حامیانی نیز داشته باشند که از بعد اقتصادی اعم از مالی و تسلیحاتی آن‌ها را تأمین کنند، به‌سرعت دامنه نفوذ و قدرت خود را در مناطق گوناگون گسترش خواهند داد.

گروه سلفی-تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) یکی از همین جریان‌های تکفیری است که از درون جریان سلفی القاعده زاده شده است. این گروه پس از بروز بحران‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی در سوریه و عراق توانست جایگاهی در منطقه بیابد و در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا و حتی محیط بین‌المللی تأثیرگذار باشد. مشکلات ناشی از انتقال قدرت به دولت جدید حیدر العبادی، سوء کارکرد دولت نوری المالکی در مناطق سنی‌نشین، فقدان نگرش راهبردی و بروز حرکت‌های جدایی طلب در کردستان عراق، اختلاف و تنش بین گروه‌های معارض و دولت و ارتش‌های ضعیف و ناکارآمد در این کشورها ظرفیت‌هایی را برای ظهور داعش فراهم کرد.

داعش پس از استیلا بر بخش‌هایی از خاک عراق و سوریه، درصدد گسترش دامنه نفوذ و خلافت خود در منطقه‌ای به نام ولایت خراسان-شامل افغانستان، پاکستان و بخش‌هایی از آسیای میانه- برآمده است. از این رو کشورهای آسیای مرکزی به دلیل وجود ویژگی‌های مختلف در ابعاد اجتماعی، سیاسی و ژئوپلیتیک می‌توانند در کانون توجه داعش قرار گیرند. قربت ارضی این منطقه با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای چون روسیه، چین و ایران از سویی و قرار گرفتن در همسایگی افغانستان و استفاده از درآمدهای ناشی از قاچاق مواد مخدر به منظور تأمین هزینه‌های خود از سوی دیگر سبب شده است که داعش منطقه آسیای مرکزی را برای گسترش نفوذ خود مطلوب ببیند.

سؤال اصلی نوشتار این است که زمینه‌های اصلی و بسترهای شکل‌گیری حضور و نفوذ داعش در این منطقه چیست؟ آسیای مرکزی از چه ظرفیت‌هایی برای بروز و ظهور این جریان افراطی برخوردار است؟ پاسخ موقت به این سؤال، به‌عنوان فرضیه، آن است که ساختار سیاسی اقتدارگرا و سکولار، رویکرد و اقدامات نادرست دولت‌های منطقه در



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی

پژوهش‌های باسی جهان اسلام

برابر جریان افراط‌گرایی، گروه‌های بنیادگرای افراطی در منطقه، بافت اجتماعی شکننده و پیچیده کشورهای آسیای مرکزی، کانون‌های جغرافیایی بحران‌زا در منطقه چون دره فرغانه و افغانستان و نیز حضور اتباع کشورهای منطقه در صف مبارزات داعش از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند به شکل‌گیری داعش در این منطقه بینجامد. پژوهش حاضر سعی دارد با مفروض قرار دادن این موضوع که «بسترهای سیاسی، اجتماعی و ژئوپلیتیک» عوامل تأثیرگذار در پیدایش داعش در منطقه هستند، به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری داعش در منطقه آسیای مرکزی بپردازد. شایان ذکر است عوامل متعددی در بروز و ظهور این جریان افراطی در منطقه مؤثرند که این پژوهش تنها بررسی برخی از آن‌ها را و وجه همت خود قرار داده است. مقاله از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اسناد از منابع معتبر کتابخانه‌ای بهره گرفته است.

## ۱. چارچوب تئوریک: امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ

امنیت مفهومی پیچیده، متعارض و به‌شدت متکی بر نگرش‌ها و ارزش‌هاست. در این زمینه اختلاف قابل توجهی در خصوص مفهوم امنیت و مدل‌های آن وجود دارد. بین دال امنیت و مدل‌های آن رابطه‌ای ثابت و عینی وجود ندارد. در برقراری این ارتباط، عنصر روانی، ارزش‌ها و پیش‌زمینه‌های ذهنی نقش برجسته‌ای دارند که از آن با عنوان عنصر غیرمادی یا احساس امنیت یاد می‌شود. از این منظر، امنیت مفهومی زمینه‌مند، نسبی، پیچیده و مبهم محسوب می‌شود (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۷۲۶).

بوزان تأکید بسیاری بر شناخت مفهوم امنیت داشته است. از نظر او، درک صحیح مسئله امنیت ملی به درک صحیح مفهوم امنیت بستگی دارد؛ در حالی که تاکنون راهکار ساده‌اندیشانه درباره مفهوم امنیت، به عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی آن منجر شده است. از نظر بوزان، پنج عامل اساسی در عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی مفهوم امنیت دخالت داشته است که عبارتند از: پیچیدگی موضوع، حل‌شدگی امنیت در قدرت در شرایط مواجهه، واکنش علیه رئالیسم فراملی، ماهیت مطالعات استراتژیک، و استفاده ابزارهای امنیت (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

می‌توان پنج مفروضه را به‌عنوان مفروضات اصلی مکتب کپنهاگ شناسایی کرد: امنیت

### 1. Contextual





انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های پای جهان اسلام

۱۸۶

سال پنجم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۰

موسع به جای امنیت مضیق (ابعاد پنج‌گانه امنیت)، توسعه سطوح تحلیل امنیت، امنیتی ساختن<sup>۱</sup> و غیرامنیتی کردن<sup>۲</sup>، تعامل نگرش عینی و ذهنی و در نهایت روش شناسی کمی و کیفی. با توجه به آنکه تکیه پژوهش حاضر بر مفهوم امنیت و ابعاد گوناگون آن است، در اینجا صرفاً به امنیت موسع به جای امنیت مضیق می‌پردازیم. مطالعات سنتی امنیت، بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بود. در این راستا بوزان امنیت تک‌بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داد.

بر همین اساس آنچه از دیرباز ناامنی در منطقه آسیای مرکزی را رقم زده است؛ نه مسائل نظامی، که بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی بوده که در بستر داخلی این کشورها رخ داده است. از هویت‌زدایی قومی و هویت‌زدایی دینی و پیامدهای آن چون بحران قوم‌گرایی و بحران افراط‌گرایی در دوره شوروی توسط حاکمان آن زمان گرفته تا موضوعاتی چون رشد سلفیت و بنیادگرایی در این منطقه، تروریسم و قاچاق مواد مخدر، مسائل قومی و قبیله‌ای در دوران پس از فروپاشی شوروی همه و همه شاهدی بر این ادعاست.

## ۲. زمینه‌های شکل‌گیری داعش در آسیای مرکزی

### ۲-۱. بسترهای سیاسی

#### ۲-۱-۱. ساختار نظام سیاسی و ایدئولوژی حاکم بر کشورهای منطقه

یکی از زمینه‌های مهم شکل‌گیری جنبش‌های خشن سلفی در جهان اسلام به‌خصوص در دهه‌های اخیر، وجود حکومت‌های خودکامه و فقدان نهادها و بنیادهای مردم‌سالارانه مدرن و سنتی بوده است (هوشنگی و پاگنجی، ۱۳۹۰: ۲۹۰). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دستیابی کشورهای منطقه به استقلال سیاسی، وضعیت این کشورها از نظر سیاسی صرفاً از لحاظ صوری نسبت به گذشته تغییر کرد. اسلام کریم‌اف در ازبکستان، امام علی رحمان در تاجیکستان، صفرمراد نیازاف در ترکمنستان و عسگر آقایف در قزاقستان رهبرانی بوده و هستند که با پیشینه حضور در کادر حزب کمونیست در دوران اتحاد جماهیر شوروی، همان رویکرد اقتدارگرایانه را در دوران پس از فروپاشی نیز در پیش گرفتند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰: ۷۸-۷۹).

1. Securitization

2. Desecuritization

به طور کلی ساختار سیاسی منطقه را می‌توان در داخل طیفی از انواع اقتدارگرایی قرار داد. شاید نزدیک‌ترین توصیف در این طبقه‌بندی نهفته باشد: اقتدارگرایی روشنفکرانه: دیکتاتوری مصلح (قرقیزستان)، اقتدارگرایی رمانتیک: (ازبکستان)، اقتدارگرایی پاتریمونال: (قزاقستان و ترکمنستان)، اقتدارگرایی مابوکراتیک: (تاجیکستان). وجه مشترک در همه انواع اقتدارگرایی این است که خانواده‌سالاری، قوم‌گرایی و منطقه‌گرایی بر ارزش‌های ملی رجحان چشمگیری دارد. همچنین نوع اقتدارگرایی حاکم بر این کشورها عمدتاً با شناخت صورت نگرفته است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰: ۷۹). از طرفی علاوه بر نوع اقتدارگرایی حاکم بر کشورهای منطقه رتبه‌بندی دموکراسی در کشورهای این منطقه نیز به شرح ذیل است:

(Uzbekistan, Tajikistan, Turkmenistan, Kyrgyzstan, Kazakhstan, Nations in Transit 2015)

کشورها	روند انتخابات	جامعه مدنی	رسانه‌های مستقل	ساختار دموکراتیک ملی	ساختار دموکراتیک محلی	چارچوب قضایی و استقلال	فساد	نتیجه دموکراسی
قزاقستان	۶/۷۵	۶/۵۰	۶/۷۵	۶/۷۵	۶/۵۰	۶/۵۰	۶/۵۰	۶/۶۱
قرقیزستان	۵/۵۰	۴/۷۵	۶/۰۰	۶/۵۰	۶/۲۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۵/۹۹
ترکمنستان	۷/۰۰	۷/۰۰	۷/۰۰	۷/۰۰	۶/۷۵	۷/۰۰	۶/۷۵	۶/۹۳
تاجیکستان	۶/۷۵	۶/۵۰	۶/۲۵	۶/۵۰	۶/۰۰	۶/۵۰	۶/۲۵	۶/۳۹
ازبکستان	۷/۰۰	۷/۰۰	۷/۰۰	۷/۰۰	۶/۷۵	۷/۰۰	۶/۷۵	۶/۹۳

علاوه بر شاخصه‌های پیشگفته، مطابق رده‌بندی سال ۲۰۱۵ مؤسسه خانه آزادی<sup>۱</sup>، ترکمنستان و ازبکستان در رده بدترین کشورها<sup>۲</sup> و قزاقستان و تاجیکستان در رده کشورهای غیرآزاد<sup>۳</sup> قرار داشته‌اند و تنها قرقیزستان توانسته رده تا اندازه‌ای آزاد<sup>۴</sup> را به خود اختصاص دهد (freedom house, 2015). بنابراین می‌توان گفت اقتدارگرایی کم و بیش وجه مشخصه همه دولت‌های آسیای مرکزی است. از طرفی علاوه بر مؤلفه اقتدارگرایی، ایدئولوژی سیاسی که جایگزین

1. Freedom House
2. worst of the worst
3. not free
4. partly free

کمونیسم در آسیای مرکزی و قفقاز شد را می‌توان «استبدادگرایی سکولار» نامید (آیدین، ۱۳۸۰: ۱۷۲). با توجه به اینکه دین اکثریت مردم آسیای مرکزی اسلام است و در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد مردم، مسلمان و حنفی مذهب هستند، ایدئولوژی حاکم بر این ملت‌ها مبتنی بر سکولاریسم است که همین موضوع توانسته بستر لازم را برای حرکت‌های بنیادگرایانه در کشورهای این منطقه فراهم آورد (حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۰). این نکته در راستای چارچوب نظری مقاله است که عوامل سیاسی را در ایجاد یا عدم ایجاد امنیت مؤثر می‌داند.

## ۲-۱-۲. رویکرد و اقدامات دولت‌های منطقه نسبت به جریان افراط‌گرایی و داعش

رژیم‌های آسیای مرکزی امروز با معمای بزرگی مواجه هستند؛ از یک سو عاملی به نام مذهب اسلام، که در آسیای مرکزی تعریف متفاوتی از ذات اسلام پیدا کرده است، امکان وحدت کشورهای چندنژادی و قبیله‌ای را فراهم آورده و از طرف دیگر رژیم‌های توتالیتر احساس می‌کنند که اسلام سیاسی تهدیدی برای حکومت آن‌ها خواهد بود. در این میان نقش دوسویه اسلام به‌عنوان عامل مؤثر در تشکیل دولت و ملت‌سازی یا برعکس چالش دولت و ملت‌سازی، باعث شده است که رهبران سیاسی دولت‌ها، اسلام را عامل تهدید حکومت‌ها به حساب آورند. بنابراین دولت‌های سکولار آسیای مرکزی بدون توجه به ویژگی‌های خاص اسلام در آسیای مرکزی و استفاده از ظرفیت‌های آن برای تسریع در روند فرایند دولت و ملت‌سازی به دنبال سرکوب اسلام و مبارزه با جنبش‌های اسلامی در منطقه آسیای مرکزی هستند (بختیاری، سعادت و میکائیلی، ۱۳۹۱: ۷۳). به همین دلیل در آسیای مرکزی شاهد دو نوع استراتژی از سوی حاکمان این منطقه در برخورد با جریان‌های اسلام‌گرا بوده‌ایم: استراتژی سرکوب و استراتژی پذیرش (محمودی، ۱۳۸۵). در موقعیت کنونی و با توجه به تحولات جدید در غرب آسیا و ظهور و شکل‌گیری داعش در این منطقه، دولت‌های آسیای مرکزی از ترس نفوذ جریان داعش در کشورهای خود به جای آگاهی دادن به مردم همچنان سیاست‌های دین‌ستیزانه خود را در قبال اسلام و فعالیت‌های اسلامی حفظ و حتی تشدید کرده‌اند که تاجیکستان و ازبکستان در بین کشورهای منطقه در صدر این موضوع قرار دارند. در ازبکستان، کریم‌اف دین اسلام را خطر ایدئولوژیک و سیاسی معرفی می‌کند و آشکارا دستور اجرای سیاست‌های تند و خشن علیه مذهب غیررسمی و عبادت‌های دسته‌جمعی را



صادر کرده و خواستار استقرار اسلام رسمی و مورد حمایت دولت و تحت کنترل آن بوده است (آقایی و دمیری، ۱۳۹۳: ۲۹).

اسلام کریم‌اف برای احاطه کلی بر امور مسلمین، قانونی را تصویب کرد که به موجب آن تمام تشکلهای دینی و مساجد باید به صورت رسمی در مراکز دولتی ثبت شوند. قوانینی مانند اینکه تنها روحانیون دولتی اجازه دارند لباس رهبران مذهبی را بپوشند و افرادی که به این قانون عمل نکنند ۷ تا ۱۵ روز زندانی خواهند شد. تشکیل جلسات و مراسم‌های مذهبی و تدریس علوم دینی بدون اجازه دولت علاوه بر جریمه نقدی، ۱۵ روز حبس به دنبال خواهد داشت. همچنین برای تبلیغ علیه کشور و اشاعه عقاید افراطی مذهبی، هشت سال زندان در نظر گرفته شده است و چنانچه فعالیت این گروه‌ها به آسیب عمومی منجر شود، عاملان آن به ۱۵ تا ۲۰ سال حبس و مصادره اموال محکوم خواهند شد. افراطی‌ترین نمونه کنترل اسلام در ازبکستان شکل می‌گیرد (وصالی مزین، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۹). در ادامه سیاست‌های دین‌ستیزی اسلام کریم‌اف، دولت ازبکستان تصمیم گرفته است با افراد محجبه در سطح خیابان‌های سراسر کشور برخورد کند. این تصمیم در حالی اتخاذ شده و اجرا می‌شود که بسیاری از جمعیت ۳۰ میلیونی ازبکستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. دولت ازبکستان در همین حال اعلام کرده است که داشتن حجاب کامل غیرسننی و بومی با جریمه مالی ۷۰۰ توم (واحد پول ازبکی) و در صورت تکرار با حکم دو سال زندان مواجه خواهد شد. همچنین ورودی مدارس دخترانه دو مرد حضور دارند و دختران محجبه را وادار می‌کنند یا حجاب از سر گرفته و یا به خانه بازگردند و از آن‌ها تعهد می‌گیرند که این رفتار تکرار نشود (2015, [islamsng.com](http://islamsng.com)).

در تاجیکستان، اسلام طی سال‌های گذشته همواره یکی از پایه‌ها و ستون‌های هویت ملی مردم محسوب شده است. این در حالی است که دولت تاجیکستان تا حد زیادی سکولار است که آن را نیز می‌توان میراثی به‌جامانده از دوران حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی سابق دانست. از این رو در شرایطی که دولت بر جدایی دین از سیاست اصرار می‌ورزد، جامعه تاجیکستان روز به روز مذهبی‌تر می‌شود و مردم پایبندی بیشتری به اصول و مبانی از خود نشان می‌دهند (اطه‌ری و بهمن، ۱۳۹۱: ۳۵).

در ادامه به بعضی اقدامات امام‌علی رحمان در جهت محدود کردن اسلام در جامعه



تاجیکستان اشاره می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۴-۹۶): تصویب قانون «مسئولیت والدین»؛ که به موجب آن حضور جوانان برای اقامه نماز در مساجد منع شده است. با اجرایی شدن این قانون، میلیون‌ها جوان زیر ۱۸ سال از حق رفتن به مساجد محروم خواهند شد. طرح قانون جدید دین؛ در این قانون تأکید شده است که برای فعالیت هر باب مسجد جامع در شهر دوشنبه (پایتخت تاجیکستان) حضور ۵۰ هزار نمازگزار، شهرستان‌ها ۱۵ هزار و روستاها دوهزار نفر ضروری است. قانون ممنوعیت نامگذاری کودکان به نام‌های اسلامی، تصویب قانون تشدید مجازات آموزش غیررسمی علوم دینی و نیز فراخوانی دانشجویان علوم دینی از سایر کشورها همگی از جمله قوانین دولت امام‌علی رحمان در تاجیکستان است.

حزب نهضت اسلامی تاجیکستان که تنها حزب دینی رسمی در آسیای مرکزی به شمار می‌آید، از سوی دادگاه عالی تاجیکستان در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۵ به‌عنوان یک سازمان تروریستی و افراطی اعلام و فعالیتش در قلمرو تاجیکستان ممنوع شد. این دادگاه همچنین فعالیت «نجات» (نشریه رسمی حزب نهضت اسلامی) و سایت آن را نیز ممنوع کرد و منتشر کردن هر گونه آثار سمعی و بصری این حزب غیرقانونی اعلام شد (ozodagon.com, 2015). در قزاقستان و قرقیزستان بیشتر محدودیت‌ها در حد ممنوعیت حجاب عربی است و مقامات این دو کشور سیاست مشخص دین‌ستیزانه‌ای با اسلام ندارند. برای مثال بعضی از مقامات قزاقستان به طور رسمی اعلام کردند که با پوشش اسلامی زنان و دختران کشورش مخالفند، زیرا این پوشش را تحمیلی و خارجی می‌دانند و اعلام کردند که زنان و دختران قزاق هیچ‌گاه چنین نبوده (محجبه) و این نوع پوشش، با سنت‌های ملی و مذهبی آنان بیگانه است (حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۸).

در کل باید گفت که موجودیت، نظام فکری و عملکرد دولت‌های منطقه انگیزه پیدایش گروه‌های تندروی مذهبی را فراهم کرده که از اسلام‌گرایی چهره‌ای تندرو و بنیادگرا ساخته است و در تعامل با سایر کشورها، دولت‌های منطقه تمایل بیشتری به کشورهایی با نظام‌های سیاسی مشابه دارند (دهقانی بنادکی، ۱۳۹۱).

## ۲-۱-۳. گروه‌های بنیادگرای افراطی در منطقه و زمینه شکل‌گیری داعش

بدیهی است که گروه‌های افراطگرا در مخالفت با حاکمان مستبد و تمامیت‌خواه ظهور



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۹۰

سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴



یافتند. سرگذشت فراز و نشیب‌های گرایش‌های اخوان‌المسلمین در طول دهه‌های مختلف نیز مؤید این معناست که هر گاه فشارهای سیاسی به بنیادگرایان شدت گرفته است، آنان به سمت خشونت‌های بیشتر رفته‌اند. چنان‌که نطفه اصلی گروه‌های بنیادگرای خشن مصری مانند تکفیر و الجهاد در زندان‌های مخوف ناصر بسته شد (هوشنگی و پاگنجی، ۱۳۹۰: ۲۹۳). در جمهوری‌های آسیای مرکزی قوی‌ترین و بیشترین مخالفت‌ها با رژیم‌های حاکم از سوی جنبش‌های اسلامی شکل می‌گیرد (اطهری، ۱۳۸۳: ۹۲). پیدایش داعش در عراق و سوریه و ارتکاب انواع خشونت‌های تروریستی و همچنین سرایت دامنه این خشونت به مرزهای شمالی سوریه نیز زمینه احیای دوباره و تحولات گروه‌های سلفی-تکفیری در آسیای مرکزی چون جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی و حزب التحریر را فراهم آورده است؛ به طوری که در پی نفوذ و رشد داعش در غرب آسیا، عثمان قاضی رهبر گروه جنبش اسلامی ازبکستان در یک فیلم ۲/۳۰ دقیقه‌ای که تاریخ ششم آگوست ۲۰۱۵ بر آن نقش بسته، همراه با تنی چند از یاران خود به زبان عربی با داعش بیعت کرده و سرسپردگی خود را به ابوبکر البغدادی رهبر این گروه تروریستی اعلام می‌کند. در این فیلم کوتاه که یک مترجم صحبت‌های قاضی را ترجمه می‌کند، عنوان می‌شود: ما از این پس یک جنبش نیستیم؛ بلکه یک دولتم. قاضی در ادامه از جانب یاران و جنگجویان خود می‌گوید: ما از این پس شاخه دولت اسلامی عراق و شام در منطقه «خراسان» هستیم (Bergen, 2015).

قابل ذکر است که عثمان قاضی در سپتامبر سال ۲۰۱۴ حمایت خود را از داعش اعلام کرده، اما هرگز از کلمه بیعت استفاده نکرده بود. این گروه که توسط آمریکا در لیست گروه‌های تروریستی قرار گرفته، پیش‌تر شاخه آسیای مرکزی القاعده به حساب می‌آمد (شفقنا به نقل از خبرگزاری آناتولی، ۱۳۹۴). جنبش اسلامی ازبکستان، حزب التحریر، جنبش اکرمیه، انصارالله، جماعت تبلیغ و ... از گروه‌های سلفی تکفیری منطقه آسیای مرکزی هستند. نکته قابل ملاحظه در این بین آن است که به‌غیر از بیعت جنبش اسلامی ازبکستان و اتحاد جهاد اسلامی با داعش مطلبی دال بر ارتباط ساختاری بقیه گروه‌های تروریستی منطقه با داعش وجود ندارد؛ مگر اینکه اعضای این گروه‌ها به صورت شخصی و بر اساس تمایلات فردی به داعش پیوسته‌اند. در بخش چارچوب نظری مقاله نیز به ارتباط نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ و این موضوع اشاره شده بود.



## ۲-۲. بسترهای فرهنگی - اجتماعی

### ۲-۲-۱. ساختار فرهنگی - اجتماعی جوامع آسیای مرکزی

در این بخش از پژوهش با بررسی ساختار فرهنگی - اجتماعی جوامع این منطقه، چگونگی تأثیر این مؤلفه در ظهور و بروز داعش مشخص می‌شود. یکی از معضلات مهم جوامع این منطقه، گسیختگی و قطب‌بندی جامعه مانند شکاف شهری - روستایی، مرکز - پیرامون، شکاف قومی یا منطقه‌ای (ناحیه‌ای) است. به طور مثال رقابت میان نمایندگان مناطق مانند خجندی‌ها و کولابی‌ها در تاجیکستان؛ تاشکند، سمرقند و بخارا در ازبکستان و یا بیشککی‌ها، جلال آبادی‌ها و اوشی‌ها در قرقیزستان، موضوعی است که ظرفیت بالایی برای بحران‌زایی دارد. در این زمینه می‌توان به رقابت‌های نهفته و مهم دیگری نظیر شکاف مذهبی - سکولار یا شکاف میان ارزش‌ها و سبک‌های زندگی میان پرورش‌یافتگان مدارس و دانشگاه‌های دوره شوروی با دوره جدید که بخشی مهم از آن‌ها در کشورهای غربی، شرقی، اسلامی و عربی آموزش دیده‌اند، اشاره کرد (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۹۰). در میان جوامع آسیای مرکزی ساختار اجتماعی کشور تاجیکستان به مراتب بسیار حساس‌تر و شکننده‌تر است، ازبکستان و قرقیزستان در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. در ترکمنستان اما با وجود چنین ساختار شکننده‌ای، مقامات این کشور توانسته‌اند به نحوی این فضا را کنترل کنند. در ادامه، به وضعیت دو کشور تاجیکستان و ترکمنستان به طور نمونه پرداخته می‌شود:

ساختار اجتماعی تاجیکستان و جامعه موزائیکی این کشور به گونه‌ای است که طایفه‌ها نقش چشمگیری در زندگی سیاسی - اجتماعی مردم دارند. این طایفه‌ها دیدگاه‌های متضادی درباره ایده دولت - ملت‌سازی در تاجیکستان داشته‌اند. بر این اساس تضاد قومی - قبیله‌ای همیشه در تاجیکستان وجود داشته و شاید مهم‌ترین جایی که نمود عینی پیدا کرد، جنگ داخلی تاجیکستان بود (اطهری و بهمن، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۵). به همین دلیل دو معضل قطب‌بندی‌های اجتماعی (تقسیم مناطق به غنی و فقیر؛ به این معنی که منطقه پامیر و جنوب این کشور توسعه نیافته و مناطق شمالی صنعتی و توسعه یافته هستند) و قطب‌بندی‌های قومی و فرهنگی که در سیاست تأثیر گذارند، باعث بروز مشکلاتی در اداره کشور شده است (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۵۴). در ادامه به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود.

تأثیر طایفه‌گرایی به عنوان یک مقوله فرهنگی بر سیاست به گونه‌ای است که نیروهای



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۹۲

سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰

سیاسی در تاجیکستان به سه گروه تقسیم می‌شوند که هر گروه وابسته به یک منطقه جغرافیایی است. «گروه خجند»، «گروه کولاب» و «قرقان تپه» و گروه «اسماعیلیه» در منطقه خودمختار بدخشان. این گروه‌ها را می‌توان جوامعی بومی مبتنی بر طایفه‌گرایی دانست که حامی نمایندگان خود برای کسب قدرت هستند. گروه خجند یا «لنین آباد» سابقه طولانی در طرفداری از کمونیسم دارد و به طور سنتی دبیران کل حزب کمونیست از ۱۹۴۳ تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از این منطقه انتخاب می‌شدند. این گروه‌ها تنها با یک‌چهارم جمعیت کل کشور از موقعیت اقتصادی برتری بهره‌مند بودند و اکثریت آنان از قوم ازبک با علقه‌های فرامرزی هستند. ساکنان این منطقه اغلب شهرنشین هستند. مناطق جنوبی کشور یعنی «کولاب» و «قرقان تپه» که بیشتر کشاورز هستند، کمتر از رژیم شوروی بهره‌مند شده‌اند. اکثریت مردم این مناطق را تاجیکان روستانشین تشکیل می‌دهند که به کشاورزی مشغول بوده و محصول اصلی آن‌ها پنبه است. از طرف دیگر، میان دو گروه «کولاب» و «قرقان تپه» نیز همبستگی وجود ندارد و به طور سنتی رقیب یکدیگر به شمار می‌آیند (باقری، ۱۳۹۱: ۹۱-۹۲).

اما در ترکمنستان با وجود اینکه اقوام ترکمن در قالب واحدهای اجتماعی-فضایی به نام «اوبه» شکل گرفته‌اند، هر یک از اوبه‌ها توسط فردی به نام یاشولی که ریش سفید این واحد اجتماعی است، اداره می‌شود. در واقع یاشولی‌ها که از سن بالا و تجربه و درایت لازم برای اداره امور برخوردارند، پایه نظام سیاسی و اجتماعی قوم ترکمن را تشکیل می‌دهند. نظام فرهنگی قوم ترکمن از طریق احترام گذاشتن به ریش سفیدان و یاشولی‌ها، موقعیت اجتماعی و سیاسی آن‌ها را در جامعه ترکمن تضمین می‌کند. از همین طریق است که نهاد سنتی ریش سفیدی و یا شورای ریش سفیدان در ساختار دولت مدرن ترکمنستان نیز نقش‌آفرینی می‌کند. چنان که در ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ م. شورای ریش سفیدان ترکمنستان صفر مراد نیازاف را به‌عنوان رئیس‌جمهور مادام‌العمر ترکمنستان برگزیدند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۱۸-۱۱۹). عوامل و متغیرهای فرهنگی مردم ترکمن حاکی از آن است که آن‌ها در ابعاد مختلف نیای مشترک، زبان و ادبیات ترکمنی، مفاخر حماسی و شخصیت‌های ادبی و فرهنگی، هنر ترکمنی و عناصر ساختاری سنت‌های اجتماعی در ترکیب و تعامل با یکدیگر می‌توانند زمینه و بستر لازم را برای تولید هویت ملی خاص مردم ترکمن فراهم آورند و از آن‌ها ملتی تک‌ساخت، بسیط و



همگون بسازد که ضامن انسجام ملی در ترکمنستان باشد که این عامل می‌تواند نقش مؤثری در بقای دولت ترکمنستان ایفا کند (حافظنیا، ۱۳۸۲: ۱۲۱-۱۲۲).

## ۲-۲-۲. تأثیر مؤلفه فقر و بیکاری بر شکل‌گیری داعش در منطقه

در دوره شوروی مردم منطقه آسیای مرکزی به سطحی از توسعه دست یافته بودند که به طور عمده بالاتر از دیگر بخش‌های آسیا بوده است. از آن پس، آن‌ها شاهد نزول سطح استانداردهای زندگی خود بودند. میزان شاخص‌های توسعه انسانی به حد فقیرترین کشورهای جهان نزدیک شد. در چنین شرایطی تعجب‌برانگیز نخواهد بود که مردم در آرزوی نوعی رهبری و بالاتر از آن مذهبی باشند که آینده بهتری را نوید می‌دهد (آکینر، ۱۳۸۳: ۱۴۳). در چنین شرایطی فضا برای فعالیت سلفی‌گری در منطقه مهیا شده و تشکیل احزاب و گروه‌هایی با گرایش‌های سلفی‌گری و یارگیری و جذب افراد توسط این گروه‌ها از میان جوانان بیکار و قشر پایین جامعه صورت می‌گیرد. در بیان دلیل این موضوع باید گفت که جوانان بیکار و قشر پایین جامعه که از جامعه موجود و ساختار آن خسته و ناامید و از لحاظ روحی تضعیف شده‌اند، مستعد پذیرش تفکراتی همچون سلفی‌گری هستند، زیرا با گرایش به سلفی‌گری این افراد از لحاظ ایدئولوژیکی به غنای درونی مورد نظر خود دست می‌یابند. برای بررسی بهتر این موضوع، ابتدا لازم است آخرین وضعیت سطح و میزان فقر موجود و بیکاری در کشورهای آسیای مرکزی را به صورت اجمالی مرور کنیم. در کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان بیش از یک‌چهارم جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند که اغلب فاقد امنیت غذایی هستند و بخش قابل توجهی از محصولات اصلی کشاورزی از قبیل گندم، سیب زمینی، پیاز و میوه‌جات را از خارج و به‌خصوص از چین و حتی افغانستان وارد می‌کنند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳). در تاجیکستان حدود ۸۵ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند که این موضوع گرایش به افراطی‌گرایی و همچنین تجارت مواد مخدر از افغانستان از مسیر تاجیکستان و سپس به سایر کشورهای آسیای مرکزی و روسیه و اروپا را تشدید می‌کند (آلیسون و جانسون، ۱۳۸۹: ۵۹). در قرقیزستان، به‌ویژه ساکنان جنوب این کشور، به دلیل عدم توانایی در کسب درآمد برای زندگی به صفوف شبه‌نظامیان داعش می‌پیوندند. این مسئله در ابتدا بیشتر به بیکاری جوانان مرتبط بوده و آنان با



پیوستن به این گروه‌ها، در دام ایدئولوژی‌های مخرب آن‌ها می‌افتند (آکینف، ۱۳۹۳). بیکاری از مشکلات جدی این جوامع است. بنا بر اعلام «سازمان بین‌المللی کار» در سال ۲۰۱۴، میزان بیکاری در کشورهای مختلف آسیای مرکزی به این شرح است: تاجیکستان ۸ درصد، ازبکستان ۱۰، قرقیزستان ۸ و قزاقستان ۵ درصد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر جوانان و مردم منطقه به دلیل فقر، بیکاری، کمبود امکانات معیشتی و نداشتن شغل مناسب دست به مهاجرت به روسیه می‌زنند. در آسیای مرکزی بیشتر مهاجران شغلی از جنوب به شمال حرکت می‌کنند؛ از کشورهای محروم از منابع طبیعی و با نیروی کار مازاد، به کشورهای غنی از لحاظ منابع که نیروی کار در آن‌ها کمیاب است. روسیه اولین قطب مهاجرت برای مهاجران آسیای مرکزی است و کشور قزاقستان در اوایل قرن بیست و یکم به مقصدی مهم تبدیل شد. سه کشور دیگر یعنی قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان کشورهای ارسال‌کننده مهاجر هستند. بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ یعنی در اوج رونق اقتصادی، ۸۰۰ هزار قرقیز، ۱،۵ میلیون تاجیک و ۲،۵ میلیون ازبک کشور خود را با هدف پیدا کردن کار در روسیه و قزاقستان ترک کرده‌اند و در مشاغل ساختمانی، خرده‌فروشی، کشاورزی و خدمات منزل که معمولاً دستمزد پایینی دارند و مورد توجه افراد بومی قرار نمی‌گرفتند، مشغول به کار شدند. مشکل اینجاست که به دلیل قرار گرفتن این مهاجران در فضای اجتماعی غیرمعمول روسیه و خارج شدن از کنترل استادان دینی و مواجه شدن با مشکلات اجتماعی، احساس بی‌عدالتی و... مهاجران کاری به طعمه مناسب گروه‌های افراطی تبدیل می‌شوند (شوچنکو، ۱۳۹۴).

نکته قابل تأمل این است که با شکل‌گیری داعش در غرب آسیا، برخی افراد خاص فعالیت خود را در میان مهاجران کاری به‌خصوص در میان تاجیک‌های حاضر در روسیه افزایش داده‌اند. این افراد که خود از محصلان مدارس دینی در عربستان سعودی هستند، با نفوذ در میان جمعیت بالای مهاجران کاری، آموزش‌هایی را در اختیار آنان قرار می‌دهند که با توجه به اوضاع نامناسب اقتصادی این افراد و عدم امید به آینده، آن‌ها را از لحاظ روحی آماده اعزام به جبهه‌های جنگ علیه آنچه دلیل ایجاد این شرایط تعریف می‌شود، می‌کنند. در این خصوص اظهارات «ویکتور میخایلوف» از کارشناسان مسائل امنیتی ازبکستان در سایت رگنوم قابل تأمل است. وی بنا بر مستنداتش که در اختیار دارد، می‌گوید که طی سال ۲۰۱۴ بیش از ۳۰۰ نفر از شهروندان ازبکستان، به صفوف گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند که اکثر



این افراد در قلمرو روسیه پس از ناامیدی از کسب شرایط مساعد مالی به دام فریب مبلغان گروه داعش گرفتار شده‌اند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳). این نکته در برداشت بوزان از مفهوم امنیت به طور واضح آمده است و از این نظر میان این بخش و چارچوب نظری مقاله ارتباط روشنی وجود دارد.

## ۲-۳. حضور اتباع منطقه در صف مبارزات داعش

منطقه آسیای مرکزی یکی از مناطق مهم و حساسی است که با توجه به بسترهای گفته شده، از زمینه‌ها و ظرفیت‌های بسیاری برای تأثیرپذیری از این جریانات انحرافی برخوردار است؛ تا آنجا که افراد و گروه‌های کثیری از اتباع و جوانان جمهوری‌های این منطقه بخش قابل توجهی از جنگجویان این جریان افراطی را در میدان نبرد تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت این منطقه به‌عنوان قطب تأمین‌کننده نیروی انسانی گروه تروریستی داعش عمل می‌کند؛ تا جایی که تعداد افرادی که از کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در صف داعش حضور دارند، به بیش از ۵ هزار نفر می‌رسد (zamoune.com, 2016).

در جمهوری ازبکستان، وادی «فرغانه» و به طور خاص استان «اندیجان» یکی از مراکز عمده صادرکننده شبه‌نظامیان ازبک برای جنگ علیه سوریه است. طبق اطلاع‌نهادهای امنیتی در پایان سال ۲۰۱۳ حداقل حدود ۵۰۰ نفر شهروند این کشور با بهانه مهاجرت کاری به روسیه وارد قرقیزستان شده و سپس از طریق پروازهای بیشکک و اوش عازم ترکیه شدند. اتباع کشورهای آسیای مرکزی معمولاً با توجه مهاجرت کاری به روسیه از طریق بیشکک (به دلیل ارزان بودن بلیت هواپیما)، به این کشور آورده شده و سپس با پروازهای «بیشکک - استانبول» و «اوش - استانبول» (روزانه بالای ۱۰ پرواز وجود دارد) به ترکیه و از آنجا به سوریه منتقل می‌شوند. به این منظور عمدتاً از مناطقی از مرز ترکیه با سوریه، نظیر «هاتای»، «ریحان‌لیک»، «کلیس» و «آدنه» استفاده می‌شود. با این حال، جنگ علیه سوریه و رنگ مذهبی دادن به آن، بهانه مناسبی برای جلب جوانان قرقیزی و کل منطقه به گروه‌های افراطی و به‌خصوص سلفیت جهادی و تکفیری شده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲).

در تاجیکستان «یوسف رحمان» دادستان کل این کشور اعلام کرده است در صفوف داعش در عراق و سوریه ۱۰۹۴ تاجیکستانی حضور دارند که بیشتر آن‌ها پیروان فرقه سلفیه محسوب



می‌شوند. به گفته وی، از میان شهروندان تاجیکی که در سوریه و عراق می‌جنگند، ۴۰۰ نفر از استان «ختلان»، ۲۷۲ نفر از استان «سغد»، ۲۵۴ نفر از نواحی مرکزی، ۱۳۹ نفر از شهر دوشنبه و ۲۶ نفر از استان «بدخشان» تاجیکستان هستند (ozodagon.com, 2016). طبق اعلام وزارت کشور قرقیزستان نیز در مجموع ۵۰۸ شهروند این کشور از جمله ۱۲۱ زن در صفوف داعش حضور دارند.

از ترکیب شبه‌نظامیان آسیای مرکزی در عراق و سوریه گروه‌های تروریستی نظیر «جنت عاشق‌لری» و «گردان امام بخاری» تشکیل شده است که در این گروه‌ها اساساً از یک تباران قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان قرار دارند و تاجیک‌ها، قرقیزها و قزاق‌ها عمدتاً وابسته به اتحاد جهاد اسلامی هستند که مقر آن در شهر «ادلب» است. علاوه بر این، جماعت‌های قومی نیز در ترکیب داعش وجود دارند (اسوبعلی‌اف، ۱۳۹۴).

گرایش زنان منطقه آسیای مرکزی برای پیوستن به داعش از دیگر نکات قابل ملاحظه در این بین است. دولت قرقیزستان نیز از افزایش تعداد زنان سفرکننده به سوریه در بین شهروندان خود ابراز نگرانی کرده است. چنین اوضاعی در تاجیکستان نیز مشاهده می‌شود. کانال‌های تلویزیون ازبکستان برای سه روز متوالی به زنان این کشور هشدار داد که به گروه‌های افراطی ملحق نشوند و از «جهاد نکاح» خودداری کنند (خبرگزاری فارس به نقل از آزادگان، ۱۳۹۴). گفتنی است یکی از دلایل حضور اتباع منطقه آسیای مرکزی در ترکیب مبارزات داعش، فعالیت و تبلیغات شبکه‌های اجتماعی یا مجازی از سوی این گروه تروریستی است که در این میان منطقه آسیای مرکزی نیز مغفول نمانده؛ به طوری که سازمان پیمان امنیت جمعی بیش از ۵۷ هزار سایت را در آسیای مرکزی شناسایی و به حالت تعلیق درآورده است که به استخدام شهروندان، به‌ویژه جوانان این منطقه برای پیوستن به صفوف گروه تروریستی داعش مشغول بودند (CA-NEWS.org, 2016).

رئیس مرکز مطالعات راهبردی نهاد ریاست جمهوری تاجیکستان در خصوص جذب داعش از جوان تاجیک گفته است که اکثر جوانان و شهروندان تاجیک که به این گروهک تروریستی پیوسته‌اند، از طریق شبکه‌های اجتماعی جذب شده‌اند. «خداپردیخالق نظراف» شبکه‌های اجتماعی را از جمله خطرناک‌ترین وسایل جذب شهروندان تاجیکستان به صف این گروه دانست (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴).



## ۲-۳. بسترهای ژئوپلتیک

۲-۳-۱. جایگاه استراتژیک منطقه آسیای مرکزی؛ مجاورت با سه قدرت روسیه، چین و ایران از منظر گفتمان ژئوپلتیک، فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز یک تحول و دگرگونی ژئوپلتیکی بنیادی در محیط جغرافیایی و منطقه‌ای پدید آورد. علاوه بر اهمیت ژئواکونومیکی این منطقه چون در اختیار داشتن منابع انرژی، مسیر خطوط لوله انتقال انرژی (نفت و گاز) و وجود بازارهای مصرف این منطقه (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱: ۶۹-۶۶)؛ آنچه این پهنه را به یک منطقه ژئواستراتژیک تبدیل کرده، موقعیت راهبردی و ژئوپلتیک برتر آن یعنی قرابت ارضی و قرار گرفتن در حد فاصل قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای نوظهور چون روسیه، چین، هند و ایران است.

از آنجا که این منطقه با روسیه، چین، ایران و افغانستان مرز مشترک دارد، تبدیل شدن آن به منطقه نفوذ برای هر قدرتی، کنترل کشورهای همسایه منطقه را به ارمان می‌آورد که به لحاظ امنیتی و نظامی فوق‌العاده مهم است. بنابراین هر گونه تغییرات ژئوپلتیک در منطقه آثار خود را به صورت اجتناب‌ناپذیری بر کشورهای منطقه خواهد داشت. این موقعیت ارتباطی مناسب موجب شده قدرت‌های بزرگ همیشه چشم به این منطقه داشته باشند (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱: ۶۵). بنابراین حامیان بین‌المللی داعش درصددند تا با نفوذ و شکل‌گیری داعش، از این گروه به عنوان حربه و ابزار فشار در محیط داخلی این منطقه، علیه قدرت‌های همسایه آن استفاده کنند. چون ژئوپلتیک منطقه آسیای مرکزی این ظرفیت را دارد که در یک زمان واحد چندین کارکرد و نقش راهبردی برای آنان داشته باشد. موقعیت جغرافیایی و دسترسی‌های این منطقه برای ظهور و بروز این جریان افراطی به گونه‌ای است که همزمان ظرفیت ایجاد چندین جبهه در جهات مختلف علیه چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران را دارد.

## ۲-۳-۲. دره فرغانه؛ کانون جغرافیایی بحران‌زا در منطقه

امروز دره فرغانه، جایگاه اصلی شکل‌گیری، رشد، پرورش، حمایت و گسترش اندیشه‌های سلفی‌گری در آسیای مرکزی است. هرچند ورود و نفوذ این اندیشه و آزا به وضعیت هر یک از پنج کشور آسیای مرکزی نیز بستگی دارد. درباره نقش ژئوپلتیک دره فرغانه باید گفت که دره فرغانه در میانه کشورهای قرقیزستان (شرق)، تاجیکستان (جنوب) و ازبکستان (غرب) واقع



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

ژئوپلتیک آسیای جهان اسلام

۱۹۸

سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴



شده است و استان‌های فرغانه، نمنگان و اندیجان از جمهوری ازبکستان، استان سغد تاجیکستان و استان‌های اوش، جلال آباد و باتکنت جمهوری قرقیزستان را در بر می‌گیرد. جمعیت بالای کشاورزان و درصد بالای روستانشینی، دشواری دسترسی به منابع آب، رکود اقتصادی در ۲۰ سال گذشته و نرخ فزاینده تورم، موجب شده است که دره فرغانه به یکی از مسئله‌دارترین مناطق آسیای مرکزی تبدیل شود که ظرفیت پرورش گروه‌های سلفی‌گری را دارد. مهم‌تر آنکه، به علت گسل‌های انباشته تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، یکی از استعاراتی که در مورد دره فرغانه به کار می‌رود، «دره کشمکش» است. اهمیت این دره از آن روست که همواره مأمین گروه‌های سلفی‌گری بوده و حادثه اندیجان در سال ۲۰۰۵ در همین منطقه روی داد. این منطقه ظرفیت و توانایی اثرگذاری و اثرپذیری از تحولات هر سه کشور را دارد (حسینی، ۱۳۹۲). در مجموع آنچه باعث شده وادی فرغانه به بستری برای شکل‌گیری گروه‌های سلفی‌گری تبدیل شود، یکی مرزبندی قومی نادرست و دیگری عامل فقر در این منطقه است.

به طور نمونه استالین در جریان ترسیم مرزهای جدید، دره حاصلخیز و سرسبز فرغانه را میان سه کشور تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان با مرزهای بسیار پیچیده‌ای تقسیم کرد. در این تقسیم‌بندی منطقه ازبک‌نشین اوش درون مرزهای قرقیزستان جای گرفت. هرچند قسمت اعظم دره فرغانه متعلق به ازبکستان بود، ولی تعداد بسیاری از ازبک‌ها درون کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان و اقلیت‌های کثیری از تاجیک‌ها و قرقیزها نیز در خاک ازبکستان قرار گرفتند (کاظمی و نظامی، ۱۳۸۹: ۸). در همین راستا شهرهای مهم سمرقند و بخارا که مرکز فرهنگ و تمدن تاجیک به حساب می‌آیند، در چارچوب سرزمینی ازبکستان قرار گرفت. استان خجند که از نواحی مهم ازبک‌نشین ازبکستان بود، در سال ۱۹۲۹ به تاجیکستان واگذار شد. در کشور قرقیزستان هم اکثریت قوم ازبک در شهر اوش در جنوب این کشور و در نزدیکی مرز ازبکستان ساکنند. آن‌ها ۱۴ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در سال ۱۹۹۰ در این راستا درگیری خونینی میان ازبک‌ها و قرقیزی‌های این ناحیه رخ داد که دلیل آن نیز نابرابری‌های اقتصادی و سیاسی بود (آکینر، ۱۳۸۳).

## ۲-۳-۳. قرابت ارضی با افغانستان و تأثیرپذیری از تحولات آن

افغانستان با سه جمهوری تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان دارای ۲۳۸۴ کیلومتر مرز



مشترک است. با حضور داعش در افغانستان و تمرکز در برخی مناطق شمالی و هم‌مرز با منطقه آسیای مرکزی، ظرفیت انتقال این ناامنی به منطقه وجود دارد (جمالی، ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۷۰). داعش با هدف پیشبرد یک رشته «راهبردهای ژئوپلیتیکی» که معطوف به آسیای مرکزی و مرزهای جنوبی روسیه است، در صدد حضور و نفوذ در افغانستان برآمده؛ مناطق شمالی افغانستان به‌ویژه ولایت بدخشان، فاریاب و سرپل قندوز و احتمالاً جوزجان و بغلان از کانون‌های اصلی تجمع نیروهای داعش خواهد بود (طائی، ۱۳۹۳).

در شمال افغانستان صدها هزار ازبک با خانواده‌هایشان در مناطقی از این ولایت مستقر شده و مراکز آموزشی و نظامی را در نقاطی چون «دشت لیلی» و «دشت بایغور» ولایت جوزجان، فرمانداری‌های «المار» و «قیصار» ولایت فاریاب، فرمانداری «کوهستانات» ولایت سرپل، و فرمانداری‌های «چهار دره» و «دشت ارچی» ولایت قندوز ایجاد کرده‌اند. پول هنگفت و مهارت رزمی ازبک‌ها، باعث شده آنان جنگ را رهبری کنند. در این میان رسانه‌ها از شخصی به نام «امین اکه» نام می‌برند که مسئولیت تحریک اسلامی ازبکستان در شمال افغانستان را به عهده دارد. وی برای داعش در شمال زمینه‌سازی می‌کند و توانسته در ولایات سرپل، فاریاب و بادغیس، بخش عظیمی از طالبان را برای پیوستن به داعش متقاعد کند (وفایی، ۱۳۹۳). نجیب‌الله قریشی روزنامه‌نگار و فیلمساز افغان پس از بازدید از اردوگاه شبه‌نظامی کودکان داعش در ولایت ننگرهار در گفت‌وگو با راشا تودی گفت: داعشی‌ها پس از استفاده از قلمرو افغانستان به‌عنوان پایگاه، می‌خواهند عملیاتشان را به کشورهای آسیای میانه گسترش دهند. او ادامه داد: در حال حاضر حدود ۲ هزار خانواده داعش از ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان در شمال افغانستان، آماده گذر از مرز برای بازگشت به کشورهایشان هستند (rt.com, 2015).

دیگر پیامد امنیتی همجواری آسیای مرکزی با افغانستان، ایفای نقش منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان ترانزیت مواد مخدر و نارکو تروریسم منطقه‌ای است (کولایی، ۱۳۸۵: ۳۴). ناامن شدن مناطق شمالی افغانستان کمک می‌کند تا مواد مخدر را به‌سادگی از افغانستان از طریق آسیای مرکزی به اروپا برسانند (سهاک، ۲۰۱۵). داعش تاکنون از قاچاق هروئین تولیدشده در لابراتوارهای افغانستان، حدود ۵۰۰ میلیون دلار درآمد داشته است. این گروه تکفیری تروریستی از این پول‌ها برای تهیه سلاح و فریب جوانان فقیر افغانستان و جذب آن‌ها



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۰۰

سال پنجم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۴

استفاده می‌کند؛ نیروهای جدا شده از طالبان هم هدف خوبی برای نیروگیری داعش هستند (اسلوبعلی‌اف، ۱۳۹۴). این مورد نیز از زمینه‌هایی است که در دیدگاه نظریه‌پردازان امنیت در مکتب کپنهاگ مورد توجه بوده است و در بخش چارچوب نظری به آن اشاره شد.



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های بنیاد جهان اسلام

۲۰۱

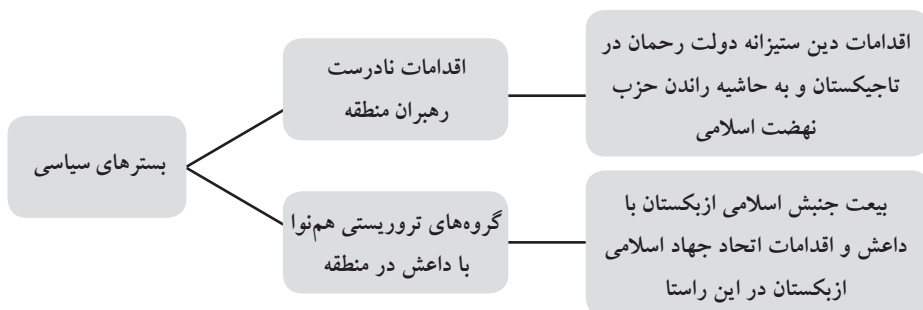
زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی

## نتیجه گیری

در این نوشتار تلاش شد به این سؤال پاسخ داده شود که چه زمینه‌هایی برای حضور و تثبیت موقعیت داعش در آسیای مرکزی وجود دارد. به همین منظور و در ابتدا چارچوب نظری مورد استفاده شرح داده شد که نظریه امنیتی مکتب کینهاگ با تأکید بر اندیشه‌های بوزان بوده است. بعد از آن هم در سه بخش، شاخص‌های مورد نظر فرضیه مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به محدودیت حجم نوشتار از اشاره مجدد به آن پرهیز شده و در ادامه نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش ذکر می‌شود:

بر اساس این نوشتار می‌توان گفت که آسیای مرکزی در زمینه‌سنجی حضور داعش به هیچ وجه جغرافیایی یکپارچه و با مؤلفه‌های عین امثلهم و مشابه نیست. به عبارت دیگر بخشی از آسیای مرکزی احتمال دارد از داعش متأثر شود، ولی در بخشی دیگر این احتمال چندان قوی نیست. مثلاً تاجیکستان و بخش‌هایی از ازبکستان و قرقیزستان می‌تواند محل جولان افراط‌گرایی داعش باشد، اما در اکثریت جغرافیای ترکمنستان و قزاقستان احتمال آن بسیار کمتر است. تاجیکستان در میان پنج کشور آسیای مرکزی وضعیت مستعدتری از لحاظ شکل‌گیری بحران در این منطقه دارد. با رصد اوضاع منطقه می‌توان سه عامل سیاسی و اجتماعی در سطح داخلی منطقه و عامل ژئوپلتیک در سطح منطقه را شناسایی کرد که در صورت بی‌توجهی به این عوامل از سوی نخبگان سیاسی منطقه، شکل‌گیری داعش در آسیای مرکزی به‌سهولت میسر می‌شود.

عامل سیاسی را به صورت خلاصه در نمودار ذیل می‌توان دید.



ساختار اجتماعی جوامع منطقه، فقر مادی و بیکاری، فعالیت رسانه‌های اجتماعی و مجازی داعش و در نهایت حضور تعداد کثیری از اتباع کشورهای آسیای مرکزی در صفوف داعش



را می‌توان به‌عنوان بسترهای اجتماعی پیدایش داعش در آسیای مرکزی ذکر کرد. دو عامل فقر مادی و بیکاری و فعالیت رسانه‌های مجازی داعش در این منطقه باعث جذب و حضور این تعداد از مردم کشورهای منطقه آسیای مرکزی در گروه داعش شده است. عوامل بستر اجتماعی را به صورت خلاصه در نمودار ذیل می‌توان دید.

مؤلفه فقر مادی و بیکاری

فعالیت رسانه‌های اجتماعی و مجازی داعش در آسیای مرکزی

حضور اتباع آسیای مرکزی در صفوف داعش در عراق و سوریه

بررسی نقش بستر ژئوپلتیک در چگونگی ظهور و بروز داعش در این منطقه نیز حائز اهمیت است. ژئواستراتژیک بودن منطقه و همجواری آن با سه قدرت روسیه، چین و ایران، قرار داشتن دره فرغانه به‌عنوان کانون جغرافیایی بحران‌زا در این منطقه و نیز همجواری منطقه با افغانستان و تأثیرپذیری آسیای مرکزی از تحولات افغانستان و وجود نارکوتروریسم منطقه‌ای همگی از جمله عوامل ژئوپلتیکی دخیل در این موضوع هستند. با نگاهی اجمالی به این مؤلفه‌ها می‌توان گفت عامل بالفعلی که زمینه اصلی پیدایش داعش در آسیای مرکزی را رقم خواهد زد، اقدامات داعش در افغانستان برای ورود به آسیای مرکزی و نیز تحرکات و فعالیت‌های اتباع این منطقه در افغانستان است که در صورت سرایت بحران و ناآرامی از افغانستان به منطقه، این ناآرامی‌ها به تدریج در سطح منطقه گسترش خواهد یافت. نمودار ذیل خلاصه این موارد است.

هم‌مرز بودن با افغانستان و تأثیرپذیری از تحولات آن

انتقال بحران به آسیای مرکزی به‌ویژه دره فرغانه (ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان)

سرایت بحران به همسایگان منطقه



## فهرست منابع

### منابع فارسی

آقایی، سید داوود و دمیری، محمدرضا، (۱۳۹۳) «بررسی نقش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی (مطالعه موردی از بکستان)»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۱۸.

آکینر، شیرین (۱۳۸۳) «سیاسی‌گرایی اسلام در آسیای مرکزی در دوره پس از شوروی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۵.

آلیسون، روی و جانسون، لنا. (۱۳۸۹) *منیت در آسیای مرکزی*، ترجمه محمدرضا دبیری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

آیدین، مصطفی (۱۳۸۰) «دیدگاه‌ها: ریشه‌های داخلی بی‌ثباتی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی*، شماره ۳۶.

اسلوبعلی‌اف، حسین (۱۳۹۴) «آسیای مرکزی هدف بعدی تکفیری‌ها پس از سوریه/ آمریکا واسطه انتقال شبه‌نظامیان»، ۷/۱۰/۱۳۹۴، *خبرگزاری فارس*، قابل بازدید در: <http://www.farsnews.com/news-text.php7>

اطهری، سید اسدالله و بهمن، شعیب (۱۳۹۱) «حوادث بدخشان؛ ریشه‌ها و پیامدها»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره هجدهم، شماره ۷۹.

اطهری، سید اسدالله (۱۳۸۳) «بحران هویت در اوراسیا»، *مجله فرهنگ اندیشه*، سال سوم، شماره ۹.  
باقری، فردین (۱۳۹۱) «اثبات سیاسی تاجیکستان پس از فروپاشی شوروی»، *فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال چهارم، شماره ۴.

بختیاری، ارشد و سعادت، علی و میکائیلی، مهدی (۱۳۹۱) «چالش‌های دولت و ملت‌سازی در آسیای مرکزی»، *فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری*، سال سوم، شماره ۲.

بی‌نا (۱۳۹۳) «فقر مالی و ثروت داعش؛ آسیای مرکزی نگران جذب جوانان به سوی افراط‌گرایی»، *خبرگزاری فارس*، ۱۶/۱۰/۱۳۹۳، *خبرگزاری فارس*، قابل بازدید در: <http://www.farsnews.com/0>

بی‌نا (۱۳۹۴) «تخمین دولت روسیه: درآمد ۵۰۰ میلیون دلاری داعش از قاچاق هروئین افغانستان»، *خبرگزاری فارس*، ۷/۱۰/۱۳۹۴، قابل بازدید در: <http://www.farsnews.com/13941002>

بی‌نا (۱۳۹۴) «جنبش اسلامی ازبکستان با داعش بیعت کرد»، *سایت شفقنا*، ۱۷/۵/۱۳۹۴، <http://shafaq-na.com/persian/general/item/133093>

بی‌نا (۱۳۹۲) «سلفیت در آسیای مرکزی؛ از ضرورت دفاع از مذاهب سنتی تا ناکارآمدی روحانیت دولتی»، *خبرگزاری فارس*، ۱۲/۱۱/۱۳۹۲، قابل بازدید در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921108000204>

بی‌نا (۱۳۹۴) «شبکه‌های اجتماعی ابزار داعش برای جذب جوانان تاجیک می‌باشند»، *خبرگزاری ایرنا*، <http://www.irna.ir/fa/News/81673462>، قابل بازدید در: ۱۵/۴/۱۳۹۴



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های پای جهان اسلام

۲۰۴

سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴

بی نا (۱۳۹۴) «هشدار ازبکستان نسبت به گرایش زنان ازبک برای «جهاد نکاح» در سوریه»،  
خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۳/۴: قابل بازدید در: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13940403000105>

پاکنجی، احمد و هوشنگی، حسین (۱۳۹۰) بنیادگرایی و سلفی‌ها؛ بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

جمالی، جواد (۱۳۹۳) «امکان‌سنجی حضور و نفوذ داعش در افغانستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۵، شماره ۳.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۲) «قابلیت‌های میراث فرهنگی ترکمنستان در شکل‌دهی به هویت ملی»، مدرس، دوره ۷، شماره ۲.

حسین‌زاده، نصرالله (۱۳۹۴) «بررسی تاریخی اوضاع اجتماعی - سیاسی مسلمانان منطقه آسیای مرکزی (در قرن ۱۲ تا بیستم)»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۷.

حسینی، مطهره (۱۳۹۲) «پیامدهای گسترش نفوذ جریان‌های سلفی در آسیای مرکزی»، ۲۰/۸/۱۳۹۲  
خبرگزاری فارس، قابل بازدید در: <http://www.farsnews.com/newstex1>

دهقان بنادکی، ابراهیم (۱۳۹۱) «چالش‌های بازگشت به ارزش‌ها در آسیای مرکزی»، ۲۵/۸/۱۳۹۱، سایت برهان: قابل بازدید در: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=4398>

سهاک، مصدق (۲۰۱۵) «اهداف و پیامدهای ناامنی‌ها در شمال افغانستان»، سایت حزب افغانستان، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵، قابل بازدید در: <http://www.hizb-afghanistan.com/1>

شوجنکو، ماکسیم (۱۳۹۴) «اسلام عقلانی مهم‌ترین سلاح علیه افراط؛ دام گروه‌های تندرو برای مهاجرین کاری»، خبرگزاری فارس در دوشنبه، ۱۳۹۴/۱۰/۵، قابل بازدید در: <http://www.farsnews.com/13941002001354>

طائی، علی (۱۳۹۳) «آسیای مرکزی، کانون تکاپوی افراط‌گرایان»، سایت دیپلماسی ایرانی، ۲۴/۱۲/۱۳۹۳، قابل بازدید در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page.html>

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹) «تظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

قادری حاجت، مصطفی و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۱) «اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۲.

کاظمی، حجت و نظامی، مریم (۱۳۸۹) «زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری بحران‌های قوم‌گرایی، محلی‌گرایی و بنیادگرایی در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۴.

کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۰) «تأملی نظری بر پویای ملی‌گرایی قومی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۵.

کولایی، الهه (۱۳۸۵) «شانگهای و امنیت آسیای مرکزی»، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۳.



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الإسلامي  
فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های یابی جهان اسلام

محمودی، یوسف (۱۳۸۵) «دین و دولت در آسیای مرکزی»، ماهنامه ایراس، شماره ۱۷.  
 واعظی، محمود (۱۳۸۷) ژئوپلتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ بنیان‌ها و بازیگران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.  
 وصالی مزین، یوسف (۱۳۸۵) آشنایی با حرکت اسلامی، جنبش اسلامی ازبکستان، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.  
 وفایی، مختار (۱۳۹۳) «ازبکستانی‌ها پرچم‌داران جدید در جنگ شمال»، ۶/۱۲/۱۳۹۳، سایت جامعه باز، قابل بازدید در: <http://dailyopensociety.com/fa>.  
 یزادفام، محمود (۱۳۸۶) «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸.

## منابع روسی

“В Узбекистане штрафуют за ношение мусульманского платка, - Озодлинк.” <http://islamsng.com/uzb/news/10156>: 19.12.2015.  
 Кофтукоби 94 чангҷӯи чавони тоҷик аз сӯи Интерпол <http://www.ozodagon.com/26021-koftukobi-94-angi-avoni-toik-az-si-interpol.html> 18 апрел 2016.  
 ОДКБ выявила 57 тысяч сайтов по вербовке в ИГ (ДАИШ) в Центральной Азии - Генсек Н.Бордюжа-15.09.2015- <http://mnqs23tfo5zs433sm4.nblu.ru/news:1162534>.  
 Суди олі ХНИТ-ро террористӣ эълон кард: Қасди ҳамла ба Қасри Миллату коргоҳи Президент доштанд\_29 сентябр 2015, <http://www.ozodagon.com/23670-sudi-ol-nit-ro-terrorist-elon-kard-asdi-aml-ba-asri-millatu-korgoi-prezident-doshtand.html>.  
 Таквияти тундравони русзабон аз Осиёи Марказӣ дар сафҳои ДОИШ, <http://www.zamoune.com/news/113332931> марта, 2016.

## منابع انگلیسی

Bergen, Peter (2015) IMU Members Pledge Support to ISIS, *Foreign Policy*, available at: <http://foreignpolicy.com/2015/03/31/imu-members-pledge-support-to-isis>.  
 Freedom House (2015) “Freedom in the World 2015”, available at: <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/freedom-world-2015#.Vrbayf197IU>.  
 N,n (2015) Kazakhstan, Joanna Lillis, Nations in Transit 2015.  
 N,n (2015) Kyrgyzstan, Erica Marat, Nations in Transit 2015.



فصلنامه علمی-پژوهشی  
 پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲۰۶

سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴



N,n (2015) School of jihad: RT talks to journalist who visited ISIS child camp in Afghanistan <https://www.rt.com/news/327163-isis-children-afghanistan-beheading/> 26 Dec, 2015.

N,n (2015) Tajikistan, Nations in Transit 2015.

N,n (2015) Uzbekistan, Sarah Kendzior, Nations in Transit 2015.

---

به این مقاله این گونه استناد کنید:

کوهکن، علیرضا؛ باقری، سامیه (۱۳۹۴)، «زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۳، پاییز ۹۴، صص ۱۸۵-۲۰۹. DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۵۰۳۰۷



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲۰۷

زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی